بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از من تا خدا

تربیت دینی

پایهٔ هشتم

دورهٔ اوّل متوسطه

(اجرای آزمایشی)

@Hdehghan۱۳
دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۱- معیار خداوند برای جوانی چیست؟ ایمان به خدا

۲- با توجّه به سخن امام صادق علیه‌السلام اصحاب کهف در چه دوره سنی بودند وخدا با چه بیانی از آن ها یاد کرد؟

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اصحاب کهف میا نسال بودند ولی خدا به خاطر ایمانشان آنها را جوان نامید.

۳- رابطه ایمان و جوانی را بنویسید.

ویژگی اصلی یک جوان نشاط و شادابی است. ایمان هم انسان را با نشاط و شاداب می کند.

٤- امام علی علیه‌السلام در توصیف انسان مؤمن چه فرمود؟

(مؤمن را) این گونه می بینم که کسالت از او دور شده و نشاطش همیشگی ست.

٥- با ذکر یک مثال ایمان را تعریف کنید.

انسان عاقل دستش را در آب جوش داخل نمی کند زیرا ایمان دارد دستش می سوزد، هم به زبان و هم در دل و هم در عمل چنین اعتقادی دارد.

ایمان به خدا ، یعنی اینکه به زبان بگوییم خدای یگانه وجود دارد، او را با دلمان باور داشته باشیم و سپس طوری رفتار کنیم که خدا می خواهد.

٦- « دل پاک باشیم» یعنی چه؟

یعنی در دل خدا را قبول داشته باشیم.

۷- خدا را قبول داشتن یعنی چه؟

یعنی قبول کنیم که خدایی هست که ما را آفریده و قبول داشته باشیم که او مهربان است.



@Hdehghan۱۳
دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

۸- چرا ایمان انسان را بانشاط می کند؟

انسان از فردایش خبر ندارد. نمی داند ثروتمند می ماند یا ورشکسته می شود. زنده می ماند یا می میرد ... امّا خدا آفریننده و صاحب اختیار عالم است، همیشه هست و از بندگانش پشتیبانی می کند و حرفش هم راست و درست است. او بنده با ایمانش را تنها رها نمی کند و راه رسیدن به آرامش را نشانش می دهد. به مؤمنان وعده داده پس از مرگ تا ابد ، غرق نعمت های او هستند. با این توصیفات، انسان به پشتوانه داشتن چنین خدایی در هر شرایطی با نشاط است.

احکام : نماز بدون وضو

۹- چرا برای نماز خواندن باید وضو گرفت؟

نماز دستور خداست، آدابش را هم خودش تعیین کرده .او گفته قبل از نمازخواندن، وضو بگیرید .ما هم اطاعت می کنیم؛ حتی اگر دلیلش را ندانیم .این می شود بندگی کردن.

۱۰- هدف از وضو با توجّه به سخن امام باقر علیه‌السلام چه فرمودند؟

وضو یکی از مقررات الهی ست تا معلوم شود چه کسی مطیع و چه کسی نافرمان است.

۱۱- روش درست وضو را بنویسید.

اول نیت می کنیم و در دلمان می گوییم خدایا به خاطر تو و انجام دستورت وضو می گیرم .بعد مُشتی آب را روی پیشانیمان می ریزیم و با آن، گردی صورتمان را می شوییم؛ یعنی از آنجایی که موهایمان روییده تا چانه را به پهنای انگشت وسط و شست. بعد دست چپمان را پر از آب می کنیم و درحالی که دست راست را رو به پایین گرفته ایم، آب را روی آرنج می ریزیم و از آرنج تا نوک انگشتان را می شوییم .سپس سراغ دست چپ می رویم و به همین ترتیب آن را می شوییم.

حالا با خیسی باقی مانده در کف دست، سرمان را مسح می کنیم؛

بعد از آن، با خیسی باقیمانده در دستان، روی پاها را مسح می کنیم .دستمان را روی پای راست می گذاریم و از نوک یکی از انگشتان تا مفصل مچ پا می کشیم[۱] .همین کار را برای پای چپ هم انجام می دهیم.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

خلاصه درس اول از من تا خدا پایه هشتم

متن با گفت‌وگوی درونی راوی شروع می‌شود؛ او در کشمکشی ذهنی قرار دارد و با خودش بحث می‌کند که آیا ارزش دارد به خاطر تمسخر و مخالفت دیگران، کاری را رها کند یا نه. این تردیدها او را آزار می‌دهد. در همین حال، مادرش صدایش می‌زند و خبر می‌دهد همسایه کتاب‌های سال گذشته‌اش را می‌خواهد. راوی به سراغ کتاب‌ها می‌رود و وقتی کتاب از من تا خدا را ورق می‌زند، با نام شخصیت «بشیر» مواجه می‌شود؛ پیر دانا و خوش‌بیانی که قبلاً در داستان‌های تاریخی دیده بود. ناگهان بشیر در برابرش ظاهر می‌شود.

راوی ماجرای تردیدها و کشمکش‌های ذهنی‌اش را برای بشیر بازگو می‌کند. بشیر برای کمک به او پیشنهاد می‌دهد دوباره به سفری در دل تاریخ بروند تا شاید پاسخ پرسش‌های ذهنی‌اش را بیابد. راوی که عاشق چنین سفرهایی است، با اشتیاق می‌پذیرد. بلافاصله خود را کنار غاری می‌یابد و درون غار، مردانی را می‌بیند که تازه از خواب برخاسته‌اند. لباس‌های آنان متفاوت است. بشیر توضیح می‌دهد که این افراد همان اصحاب کهف هستند و سپس یکی از آنها به نام "تملیخا" را صدا می‌زند.

در ادامه‌ی سفر تاریخی، راوی با یکی از اصحاب کهف به نام تملیخا روبه‌رو می‌شود. ظاهر او مردی میانسال با موهای جوگندمی است و این باعث تعجب راوی می‌شود؛ زیرا بشیر او را «جوان» معرفی می‌کند. بشیر توضیح می‌دهد که معیار خدا برای جوانی با معیار انسان‌ها فرق دارد. به نقل از امام صادق (ع) اصحاب کهف در ظاهر میانسال بودند، اما به سبب ایمانشان «جوان» نامیده شدند.

راوی از بشیر می‌خواهد که بیشتر توضیح دهد. بشیر می‌پرسد: «ویژگی اصلی یک جوان چیست؟» راوی ابتدا به ظاهر فکر می‌کند، اما بعد می‌گوید: «نشاط و شادابی.» بشیر تأیید می‌کند و توضیح می‌دهد که ایمان نیز سرچشمه‌ی نشاط و شادابی انسان است. سپس به سخن امام علی (ع) اشاره می‌کند که مؤمن همیشه پرنشاط است و کسالت از او دور می‌شود.

برای روشن‌تر کردن مفهوم ایمان، بشیر مثالی ساده می‌آورد: همان‌طور که انسان به یقین می‌داند دست در آب جوش گذاشتن موجب سوختن می‌شود، ایمان به خدا هم همین‌گونه است؛ یعنی گفتار، باور قلبی و عمل هماهنگ. ایمان واقعی شامل باور به خدا، قرآن، پیامبر، امامان و قیامت است و باید در رفتار و زندگی عملی انسان دیده شود.

راوی در ادامه‌ی گفت‌وگو با بشیر، درباره‌ی این باور رایج که «اگر دل پاک باشد، ظاهر اهمیتی ندارد» صحبت می‌کند. او توضیح می‌دهد دل پاک یعنی در دل خدا را قبول داشتن. بشیر بلافاصله می‌پرسد: «خدا را قبول داشتن یعنی چه؟» راوی پاسخ می‌دهد یعنی باور داشته باشی خدایی هست که انسان را آفریده و او مهربان است.

اما بشیر پرسش عمیق‌تری مطرح می‌کند: آیا ممکن است خدا که مهربان است، دستوری بدهد که به صلاح انسان نباشد؟ راوی می‌پذیرد که چنین چیزی ممکن نیست. بشیر ادامه می‌دهد: پس اگر خدا درباره ظاهر یا اعمال انسان دستوری داده، همان هم

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

نشانه‌ای از مهربانی اوست. این گفت‌وگو راوی را به فکر فرو می‌برد و به او تلنگر می‌زند که ایمان فقط به «دل» محدود نمی‌شود، بلکه باید در رفتار و ظاهر هم نمود داشته باشد.

در پایان، با نقل سخنی از امام علی (ع) تأکید می‌شود که ایمان سه بخش دارد: اقرار زبانی + باور قلبی + عمل کردن در رفتار. متن از دانش‌آموزان می‌خواهد با توجه به این سخن، یک نقشه‌ی مفهومی طراحی کرده و درباره‌ی آن در کلاس گفت‌وگو کنند.

در این بخش، متن ابتدا مخاطب (دانش‌آموز) را وارد ماجرا می‌کند و می‌پرسد آیا تاکنون پیش آمده که ابتدا انگیزه‌ی انجام کاری را نداشته باشید اما بعداً آن را پیدا کرده باشید. سپس راوی از تجربه‌ی شخصی‌اش می‌گوید: مدتی بی‌انگیزه برای درس خواندن بود تا اینکه یکی از اقوامش که صاحب شرکت بزرگی بود، قول داد اگر خوب درس بخواند، در آینده او را با حقوق خوب استخدام می‌کند. حتی همان زمان هم امکان کار تابستانی و دریافت حقوق وجود داشت. همین وعده باعث شد راوی انگیزه‌ی زیادی بگیرد و با نشاط درس بخواند.

بشیر علت این تغییر را جویا می‌شود. راوی پاسخ می‌دهد که به دلیل اعتماد به قول آن فرد بوده، چون قبلاً برای دیگران هم به وعده‌اش عمل کرده بود. بشیر اینجا تفاوت میان اعتماد به انسان و اعتماد به خدا را توضیح می‌دهد: انسان‌ها محدود و فناپذیرند و ممکن است وعده‌شان محقق نشود، ولی خدا آفریننده و مالک همه‌چیز است، همواره حضور دارد، راستگوست، بندگان باایمانش را تنها نمی‌گذارد و راه آرامش را به آنها نشان می‌دهد. علاوه بر آن، خدا در برابر سختی‌ها و زحمات انسان مؤمن هم در دنیا و هم در آخرت پاداش می‌دهد و وعده داده است که مؤمنان پس از مرگ تا ابد در نعمت خواهند بود.

پس، ایمان به چنین خدایی سرچشمه‌ی نشاط و آرامش در همه شرایط است. در پایان، راوی دوباره می‌پرسد که این مباحث چه ارتباطی با کشمکش درونی او دارد. بشیر وعده می‌دهد که کمی صبر کند، چون به‌زودی ارتباط میان ایمان و آن بگومگوی درونی آشکار خواهد شد

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

خلاصه‌ی کوتاه‌شده‌ی همه‌ی صفحاتی که در بالا آورده شد:

🔷 صفحه ۱۵

راوی در کشمکش ذهنی‌اش با تمسخر دیگران دست‌وپنجه نرم می‌کند. در همین حال، با کمک شخصیت دانای تاریخ یعنی بشیر به سفری تاریخی می‌رود و اصحاب کهف را می‌بیند.

🔷 صفحه ۱۶

بشیر توضیح می‌دهد که جوانی نزد خدا با ایمان سنجیده می‌شود، نه ظاهر. ایمان سرچشمه‌ی نشاط است و مانند یقین انسان به خطر آب جوش، باید در گفتار، باور قلبی و عمل نمود داشته باشد.

🔷 صفحه ۱۷

بشیر نشان می‌دهد که دل پاک واقعی بدون عمل به دستورات خدا معنا ندارد. ایمان ترکیبی از زبان، قلب و عمل است و ظاهر هم جزئی از همین عمل به فرمان الهی است.

🔷 صفحه ۱۸

ایمان مانند وعده‌ی مطمئنی است که انگیزه و نشاط می‌آورد، با این تفاوت که وعده‌ی خدا همیشگی و تضمین‌شده است. به همین دلیل، مؤمن در هر شرایطی شاداب و امیدوار می‌ماند.

خلاصهٔ داستان (مختصر)

خبر حملهٔ داعش به اربیل مثل پتک بر سر حاج قاسم جوان و رهبران کرد افتاد. مسعود بارزانی از آمریکا و دیگر کشورها درخواست کمک کرد اما همه پاسخ دادند نمی‌توانیم کمک کنیم. تنها گزینهٔ عملی تماس با ایران و حاج قاسم سلیمانی بود. حاج قاسم وعده داد فردا می‌رسد اما گفت «همین حالا بیا» و بلافاصله با هفتاد نفر از نیروهایش با پرواز وارد اربیل شد. حضور سریع و شجاعانهٔ او و رزمندگانش روحیهٔ نیروهای کرد را برگرداند؛ داعش ناگهان عقب‌نشینی کرد. یک فرماندهٔ داعشی اسیر شد و اعتراف کرد که پیام آمدن قاسم سلیمانی، روحیهٔ جنگجویانشان را شکست — به این دلیل عقب‌نشینی کردند.

دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس

نکات کلیدی (گلچین)

هشدار اولیهٔ حاج قاسم دربارهٔ روش جنگ داعش و لزوم آماده‌سازی.
رد درخواست کمک بارزانی از سوی آمریکا، ترکیه، انگلیس، فرانسه و عربستان.
اقدام سریع ایران: اعزام حاج قاسم و حدود ۷۰ نفر نیروی ویژه به اربیل.
تغییر محسوسِ روحیه و نتیجهٔ میدانی: پیروزی و عقب‌نشینی داعش.
دلیل عقب‌نشینی داعش طبق اعترافِ یک اسیر: از دست دادن روحیه و ترس.

تیترهای پیشنهادی
«حضور شبانهٔ حاج قاسم؛ برگ برندهٔ کردها برابر داعش»
«۷۰ نیرو، یک تصمیم؛ چگونه روحیهٔ دشمن شکست»

برداشت/تم‌ها
تأکید بر نقش رهبری و زمان‌بندی سریع در تعیین نتیجهٔ نبرد.
اهمیت روحیهٔ جنگی و اثر بازدارندهٔ خبرِ رسیدن نیروی قدرتمند به خط مقدم.
شکاف در حمایت بین‌المللی و تکیه به مداخلهٔ منطقه‌ای.

@Hdehghan۱۳
دانلود از وبسایت و اپلیکیشن پادرس